

## سرمایه و قراردادهای موقت کار

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

بیست پنجم اسفند ماه هشتاد و شش

بر اساس مندرجات روزنامه های وابسته به محافل مختلف دولت سرمایه داری ایران فقط در فاصله چند روز مانده به پایان سال ۱۳۸۶ بیش از ده ها هزار کارگر از کار اخراج می شوند. دایره شمول این آمار نه همه کشور بلکه چند ناحیه صنعتی و به طور مشخص فقط شهرهای طبس، سنندج، بجنورد، قزوین، زنجان و منطقه غرب تهران را در می گیرد. این بدان معنی است که شمار کارگران در معرض اخراج، در روزهای پایان سال بسیار بیش از این است. کارگران اخراجی همگی بر اساس قراردادهای کوتاه مدت مشغول کار بوده اند. آنان نه فقط کار خود که غالباً حقوق ماه اسفند، تمام روزهای مرخصی سالانه و «پاداش»!! خود را نیز از دست می دهند. نظام سرمایه داری و دولت سرمایه داران در آستانه حلول سال نو به کارگران عیدی می دهند. عیدی این نظام، گرسنگی، بی سرپناهی، محرومیت از دکتر و دارو و درمان، محرومیت از هر نوع آزادی و حقوق انسانی، افزایش شمار همیشه کثیر کودکان خیابانی، جنگ، زندان، شکنجه و مرگ ناشی از گرسنگی و فلاکت و شلاق است. سالیان زیادی است که کار بر اساس قراردادهای موقت مکتوب و نامکتوب به شیوه همه جا رایج رابطه خرید و فروش نیروی کار در دنیا و به ویژه جامعه ما مبدل گردیده است. هم اکنون عظیم ترین بخش توده های کارگر ایران در چهارچوب همین «قراردادهای»!! سراسر اجباری و تحمیلی به رقت بارترین شکل ممکن توسط سرمایه داران خصوصی و شرکت های دولتی سرمایه داری استثمار می شوند. تاریخ سرمایه داری تاریخ تلاش بی وقفه سرمایه داران دنیا برای کشف شیوه های تازه تشدید استثمار کارگران است. اما پدیده موسوم به "قراردادهای موقت" را باید به گونه ای عمیق تر شناخت، مکان آن را در موقعیت کنونی حیات سرمایه داری و تاریخ مبارزه طبقاتی میان کارگران و سرمایه خوب درک کرد و در این راستا برای مقابله با آن به راهکارهای آگاهانه و کارآمد دست یازید. "قراردادهای موقت" یک گزینه معین نظام سرمایه داری برای تشدید هر چه بیشتر استثمار توده های کارگر در شرایطی است که:

۱. ادامه حیات نظام سرمایه داری خواه در مقیاس جهانی و خواه در هر جامعه خاص در گرو کسب نرخ ارزش اضافی هرچه بیشتر و عظیم تر است. یک مقایسه بسیار ساده بین حجم سرمایه گذاری های هر کشور در فاصله میان شروع و ختم هر سال نشان می دهد که چگونه حجم و میزان سرمایه ها در همه جا با بیشترین سرعت در حال افزایش است. این سرمایه ها همه سود و باز هم سود می خواهند، سودی که باید توسط کارگران تولید شود. و این در حالی است که شمار کارگرانی که باید این سودهای عظیم را تولید کنند در قیاس با حجم سرمایه های کلانی که پیوسته پیش ریز می شوند کمتر و کمتر می گردد. نتیجه طبیعی و محتوم این روند آن است که باید به صورت بی امان استثمار کارگران تشدید شود و نرخ استثمار آنان توسط سرمایه بالاتر و بالاتر رود. به جامعه خودمان نگاه کنیم. هر سال حجم سرمایه های در حال انباشت سر به فلک می زند، در حالی که شمار کارگران شاغل اگر هم افزایش پیدا کند به نسبت

سرمایه های عظیم پیش ریز شده کمتر و کمتر می گردد. درست بر همین مبنا نرخ استثمر کارگر ایرانی که مثلاً در سال ۱۳۵۲ چیزی میان ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد بوده است در حال حاضر به سطح ۱۲۰۰ درصد رسیده است. امروز نظام سرمایه داری در روند توسعه و تکامل خود در موقعیتی قرار گرفته است که فقط از طریق فشار هر چه بیشتر بر کارگران و کسب نرخ بسیار بالای ارزش اضافی قادر به ادامه حیات است.

۲. رقابت میان نیروی کار در هر جامعه و در سطح جهانی به صورت هولناکی تشدید شده است. در لحظه حاضر بیش از یک میلیارد نفر از سکنه کره زمین که در سن اشتغال قرار دارند بیکار هستند. در جامعه ما آمارهای دولتی که خیلی هم دقیق!!! هستند جمعیت بیکاران را بین ۳ تا ۱۷ میلیون گزارش می کنند! این که شمار واقعی انسان های فاقد اشتغال و کار در کجای این منحنی یا خط فاصل قرار می گیرد درست معلوم نیست. اما این امر که جمعیت بسیار کثیری از سکنه کشور همیشه بیکار است موضوعی است که حدیث زندگی سراسر درد و رنج و مرارت و بدبختی همه ماست. بیکاری پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. این نظام نه فقط قادر به مهار بیکاری نیست بلکه بر پایه طبیعت وجودی خود هرروز و هر لحظه آن را به صورت عنان گسیخته ای افزایش می دهد. بیکاری در همان حال که ذاتی سرمایه داری است و در همان حال که مشکل این شیوه تولید است، یک نعمت الهی برای سرمایه داران هم هست. با افزایش بیکاری رقابت میان بیکاران برای یافتن کارحادثرو حادثر می شود. صاحبان سرمایه این فرصت را مغتنم می شمارند و بهای نیروی کار را تا سرحد ممکن به قیمت پرتاب میلیون ها انسان به باتلاق گرسنگی کاهش و باز هم کاهش می دهند. در شرایط موجود میزان بیکاری و رقابت میان بیکاران در تمامی دنیا به صورت وحشتناکی بالا است.

۳. آرایش قوای میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار، در سطح جهانی و در درون هر جامعه، سخت به زیان اولی و به نفع دومی است، وضعیتی که به نوبه خود محصول دخالت چند عامل اساسی در تمامی طول قرن بیستم است. دیکتاتوری هار سرمایه و سرکوب بی امان مبارزات کارگران در بخش مهمی از دنیا، به قلاده کشیده شدن جنبش کارگری توسط بورژوازی در همه ممالک اردوگاه شوروی سابق، تسلط رفرمیسم راست اتحادیه ای بر بخش عظیم دیگری از جنبش کارگری جهانی، تأثیر مخرب احزاب طیف رفرمیست چپ در شکل تلاش برای تبدیل طبقه کارگر به تسمه نقاله قدرت گیری این احزاب مؤثرین نقش را در تحمیل وضعیت وخیم کنونی بر جنبش کارگری بین المللی بازی کرده است. طرح « قراردادهای موقت کار» شیوه تشدید وحشیانه استثمر کارگر در شرایطی است که آثار زیانبار عوامل بالا همه جا بر مناسبات میان نظام سرمایه داری و جنبش کارگری سنگینی می کند. جان کلام این است که سرمایه برای ماندگاری خود نیازمند بالاترین نرخ ارزش اضافی است، دنیا پر از ارتش بیکاران است و رقابت برای یافتن کار در میان طبقه کارگر بیداد می کند، جنبش کارگری نیز زیر فشار عواملی که گفتیم در موقعیت ضعیفی قرار دارد. محصول این اوضاع یکه تازی بی عنان سرمایه داران و دولت آن ها برای سلاخی هر چه بیشتر زندگی کارگران در جهت افزایش سود سرمایه است و « قراردادهای موقت کار» یک راهکار بسیار مهم نظام سرمایه داری در همین راستاست. سال های زیادی است که نهادهای عظیم مالی و برنامه ریزی سرمایه داری، مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی همگی دست به کار هر چه سراسری تر کردن این راهکار در سطح دنیا هستند. آن ها به نوبه خود از دولت های همه ممالک می خواهند که در تحمیل این راهکار بر توده های کارگر دریغ نکنند. این نهادها به کارگیری این راهکار علیه معیشت و امکانات زیستی کارگران را به شرط حتمی سهم بری افزون

تر سرمایه داری کشورها از اضافه ارزش های تولید شده توسط کل طبقه کارگر جهانی تبدیل کرده اند. در همین جا باید بر این نکته سخت تأکید کرد که آنچه این نهادها انجام می دهند دقیقاً همان چیزی است که هر سرمایه دار و هر دولت سرمایه داری با تمامی توان خویش خواستار اجرا و تحمیل هر چه هولناک تر آن بر بردگان مزدی نظام سرمایه داری است.

سؤال اساسی این است که ما در مقابل فشار بی رحمانه و وحشیانه سرمایه داران و دولت آن ها برای تحمیل قراردادهای موقت کار چه باید بکنیم؟ در این زمینه شاید نزدیک ترین پاسخ این باشد که همه جا شعار الغای قراردادهای موقت را سر دهیم. بی تردید این کار را باید بکنیم. اما این نیز روشن است که صرف شعار دادن و حتی مجرد اعتراض کردن هیچ مشکلی را حل نمی کند. چند سال است که این شعارها سر داده می شود و این اعتراضات انجام می گیرد اما فشار سرمایه داران و دولت آن ها برای تحمیل این جنایت بر ما نه فقط هیچ کاهش نیافته بلکه وسیعاً افزایش یافته است. واقعیت این است که توسل سرمایه داری به راهکار « قرارداد موقت کار» برای این نظام یک مسئله اساسی استراتژیک است و به همین دلیل سرمایه داران و دولت ها به هیچ وجه حاضر نیستند در مقابل ابراز نارضائی ها، شکایات و اعتراضات پراکنده کارگران عقب نشینی کنند. قراردادهای موقت مسئله حیاتی سرمایه داری است و برای لغو آن نیز بجز اعمال قدرت گسترده سراسری و طبقاتی کارگران هیچ راه دیگری وجود ندارد. بر همین اساس، سخن مشخص ما در این زمینه و در قلمرو پیکار با این تهاجم سرمایه داری این است که:

به طور سراسری حول تحمیل حداقل ۶۰۰ هزار تومان دستمزد ماهانه بر سرمایه داران و دولت آن ها متحد شویم و مبارزه کنیم.

اعلام کنیم که هر کارگر بیکار، اخراجی و جویای کار نیز در تمامی مدت بیکاری باید کل ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد را بدون کم و کاست دریافت دارد.

با طرح این مطالبات و مبارزه برای تحقق آن ها ما عملاً اعلام می داریم که هر انسانی در هر شرایطی مستقل از شاغل و بیکار و جنسیت و سن و محل تولد و مکان زیست و غیره حق زندگی کردن و حق برخورداری از همه امکانات رفاهی و معیشتی را دارد. قرارداد موقت و غیرموقت کار، بیکاری یا اشتغال به ما مربوط نیست. داشتن یک زندگی انسانی مرفه و با امکانات حق مسلم و قطعی ماست. ما برای تحمیل این حقوق بدیهی و مفروض خویش بر نظام سرمایه داری مبارزه می کنیم.

**کارگران!**

اگر همه ما علیه سرمایه متحد شویم. اگر همه ما به قدرت عظیم طبقاتی خود اتکا کنیم، اگر همه ما آثار توهم به این حرف و آن حرف دولتمردان، این جریان و آن جریان اپوزیسیون درون و بیرون طبقه سرمایه دار یا این گروه و آن گروه سیاسی بی ربط به طبقه مان را از وجود خود پاک سازیم، اگر ما خود علیه سرمایه متشکل و متحد گردیم، مطمئن باشید که می توانیم خواسته های بالا و همه خواسته های دیگرمان را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم. ما و نظام سرمایه داری همیشه با هم در جنگیم. در پیچ و خم این جنگ صرفاً قدرت پیکار طبقاتی است که سرنوشت همه چیز را مشخص می کند، قدرت طبقه ما در سازمان یافتگی آگاهانه ضد سرمایه داری ماست. هر نوع متشکل شدنی مسلماً قدرت نیست. صد ها میلیون کارگر در اتحادیه های کارگری دنیا عضوند اما عضویت آنها در این

نهادها نه مایه قدرت بلکه عامل سقوط آن ها از هر نوع اعمال قدرت گردیده است. تاریخاً جمعیت عظیمی از کارگران دنیا به دار احزاب سیاسی با نام های مختلف چپ یا راست آویزان بوده اند اما آویختگی آن ها به این جریانات نه منشأ اقتدار بلکه عامل نابودی تمامی قدرت پیکار طبقاتی ضد سرمایه داری آنان شده است.

بیایید در هر کجا که هستیم برای متشکل شدن خویش در یک سازمان سراسری ضد سرمایه داری تلاش کنیم و بیایید لحظه لحظه این متشکل شدن و متحد گردیدن را بر متن مبارزه جاری برای تحمیل مطالبات روز خود از جمله مطالبات بالا بر سرمایه به پیش بریم.

## **کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۸۶/۱۲/۲۵

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)